

بررسی بازسازی مسکن پس از سانحه از منظر تصویر ذهنی ساکنان نمونه موردی بره‌سر پس از زلزله رودبار- منجیل ۱۳۶۹^۱

سید حسن میری*

زینب امیری**

تاریخ پذیرش: ۹۱/۴/۳

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۲/۸

چکیده

برآورده شدن تصویر ذهنی افراد از خانه، نقش تعیین کننده‌ای در رضایت آنان از سکونتگاهشان دارد. این تصویر که متأثر از فرهنگ می‌باشد، در میان ساکنان یک اجتماع به صورت تقریبی واحد است. اگرچه این تصویر ذهنی واحد در حال شکسته شدن است، هنوز مردمانی در مناطقی از کشورمان هستند که با وجود گذر زمان و تغییراتی که در سبک زندگی آن‌ها رخ داده، به این الگوهای ذهنی ثابت پایبند مانده‌اند و حتی با پیش آمد شرایطی که الگوی جدید و مغایر با تصویر ذهنی‌شان را به آن‌ها تحمیل کرده است، نه تنها آن را نپذیرفته، بلکه به روش‌های گوناگون در احیای تصویر ذهنی و الگوی کهن خود تلاش کرده‌اند. در این مقاله، تصویر ذهنی ساکنین بره‌سر خورگام، از توابع رودبار که در زلزله خرداد ۱۳۶۹ رودبار- منجیل خسارت فراوانی دید و پس از آن جابه‌جا شد، بررسی شده است. در این منطقه، مردم نه تنها الگوی مسکن بازسازی شده پس از زلزله را نپذیرفتند، بلکه با تغییرات رفتاری و کالبدی، سعی در برگشت به الگوی پیش از سانحه داشته‌اند. نگارنده مقاله به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش اصلی بوده است که تصویر ذهنی ساکنان از خانه چه بوده و در صورت تفاوت این تصویر ذهنی با مسکن بازسازی شده، مردم چه رفتاری از خود نشان داده‌اند؟ از آنجا که موضوع اصلی تحقیق، تصویر ذهنی ساکنان از خانه و مشخص کردن رفتار آنان است، با توجه به ماهیت موضوع، روش تحقیق کیفی روش مناسب‌تری نسبت به روش‌های کمی است و از میان روش‌های تحقیق کیفی، رویکرد نظریه زمینه‌ای برای مشخص کردن تصویر ذهنی مردم انتخاب شده است.

کلید واژه‌ها:

مسکن بازسازی شده، تصویر ذهنی، نظریه زمینه‌ای، بره‌سر.

پرسش‌های پژوهش

۱. تصویر ذهنی ساکنان منطقه زلزله‌زده از خانه چه بوده است؟ خانه در ذهن آنان چه شکل و ساختاری داشته است؟
۲. خانه بازسازی شده با تصویر ذهنی ساکنان منطقه از خانه چه ارتباطی دارد؟ تفاوت‌ها و شباهت‌های آن به چه صورت است؟
۳. واکنش‌های مردم در برابر مسکن بازسازی شده چه بوده است؟

مقدمه

در گذشته‌ای نه چندان دور، کالبد خانه عموماً ثابت بود و تغییرات آن محدود به اضافه کردن اتاق یا انباری می‌شد. سکونت و استفاده مداوم از یک خانه، ارتباط مستقیمی با الگویی ثابت از خانه در ذهن افراد داشت. از این رو نیز موقع ساخت خانه جدید، چیزی شبیه به خانه‌های آشنای عمرش می‌ساخت. تأثیر متقابل این تصویر ذهنی از خانه با حالات روحی و روانی افراد قابل تأمل بود. (الکساندر ۱۳۸۶)

گرچه تصویر ذهنی واحد در حال شکسته شدن است، هنوز مردمانی از مناطق کشورمان هستند که با وجود گذر زمان و تغییراتی که در سبک زندگی آن‌ها رخ داده، به این الگوهای ذهنی ثابت پایبند مانده‌اند و حتی با پیش آمد شرایطی که الگوی جدید و مغایر با تصویر ذهنی‌شان را به آن‌ها تحمیل کرده است، نه تنها آن را نپذیرفته‌اند، بلکه به روش‌های گوناگون در احیای تصویر ذهنی و الگوی کهن خود تلاش کرده‌اند.

بره‌سر خورگام، از توابع رودبار که در زلزله خرداد ۱۳۶۹ رودبار- منجیل به شدت خسارت دید و پس از زلزله جابه‌جا شد، یکی از مناطقی است که مردم نه تنها الگوی خانه بازسازی شده را نپذیرفته‌اند، بلکه با تغییرات رفتاری و کالبدی سعی در برگشت به الگوی پیش از سانحه داشته‌اند. در این مقاله، به بررسی تصویر ذهنی مردم منطقه از خانه و رفتار آنان در برابر ساخت خانه‌ای مغایر با تصویر ذهنی‌شان، ۲۰ سال پس از بازسازی یعنی در فاصله سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ پرداخته شده است.

۱. زلزله خرداد ۱۳۶۹ رودبار- منجیل

زلزله رودبار- منجیل در ساعت ۳۰ دقیقه و ۱۳ ثانیه بامداد پنجشنبه، سی و یکم خرداد ماه ۱۳۶۹ به وقت محلی، در مجاورت شهرستان رودبار با بزرگی ۳٫۷ درجه ریشتر رخ داد. (جودی ۱۳۷۲)

زلزله رودبار- منجیل، یکی از خسارت‌بارترین زلزله‌های ایران در سده گذشته است. گستره وسیعی که تحت تأثیر این زلزله قرار گرفته، خسارات انسانی، اجتماعی و اقتصادی سنگینی در منطقه و کشور به وجود آورده است. در این زلزله، سه شهر رودبار، منجیل و لوشان آسیب فراوانی دیدند، امابه شهرهای دیگر آسیب‌های کمتری وارد گشت. همچنین ۱۰۲۸۲۰ آبادی به شدت ویران شد و ۱۱۱۷۵۴ آبادی دیگر، خسارات کمتری داشت. (بحرینی ۱۳۷۹)

منطقه مورد بررسی در این مقاله، بره‌سر مرکز دهستان خورگام از توابع بخش خورگام شهرستان رودبار واقع در استان گیلان است. فاصله بره‌سر از شهر رودبار حدود ۶۰ کیلومتر است. ارتفاع متوسط روستا ۱۴۲۰ متر از سطح دریای خزر است و در منطقه‌ای کوهستانی قرار دارد. پس از زلزله ۱۳۶۹ که موجب تخریب وسیعی از این روستا گشت، تصمیم به جابه‌جایی روستا گرفته شد.

طبق مطالعات طرح‌های بره‌سر، مهم‌ترین دلیل جابه‌جایی و تغییر مکان این روستا، حرکت رانشی زمین تحت تأثیر نیروهای ژئودینامیکی درونی و بیرونی زمین بوده است. به همین سبب، بازدیدی توسط کارشناسان سازمان زمین‌شناسی گیلان صورت گرفت. پس از تأیید رانش زمین توسط کارشناسان مربوط، روستا به منطقه جدید در حدود دو کیلومتری شمال غربی آن منتقل شد.^۲ (همان)

۲. پیشینه نظری

در بررسی پیشینه نظری تحقیق، لازم است که هم مبانی مرتبط با تصویر ذهنی و هم مبانی بازسازی مسکن پس از سانحه، مورد توجه قرار بگیرد. برای تعریف تصویر ذهنی در ارتباط با خانه، اندیشه کسانی چون کریستوفر الکساندر، کریستین نوربری شولتز، حسن فتحی و ایموس راپاپورت مطالعه شد. خلاصه‌ای از این تعریف که ارتباط بیشتری با موضوع مقاله دارد، در ادامه آمده است.

هر بنا یا شهر، از عناصر مشخصی تشکیل می‌گردد که الگو نامیده می‌شود. الگوها باعث می‌شوند تمام بناها و قسمت‌های شهر همگون به نظر بیایند، و بناها به دسته‌ی کسانی از ساختارهای کالبدی تعلق داشته باشند. افراد در چارچوب فرهنگ خود، از فضایی که در آن هستند، شناخت دارند و الگویی از آن فضا در ذهن‌شان می‌سازند. این الگوی ذهنی آن‌هاست که باعث می‌شود در آن فضا آن‌طور که باید عمل کنند. (الکساندر ۱۳۸۶) تصویر ذهنی که همان الگوی موجود در ذهن افراد است، نحوه رفتار مردم را در فضا مشخص می‌کند. راپاپورت نیز به عنوان نظریه‌پردازی که بر تأثیر فرهنگ بر معماری تأکید بسیار کرده، معتقد است تصویر ذهنی، شناختی متأثر از فرهنگ، از فضا است که انسان‌ها به واقعیت‌های قابل درک می‌دهند تا توضیح، ادراک آن‌ها و یا واکنش دادن به آن‌ها را آسان کند. (راپاپورت ۱۳۸۴)

از آنجا که موضوع مورد بررسی یعنی تصویر ذهنی ساکنان از خانه در منطقه‌ای سانحه دیده بررسی شده است، لازم است مبانی نظری مرتبط با بازسازی مسکن پس از سانحه نیز، به صورت خلاصه مرور شود.

هدف از بازسازی مطلوب، برقراری شرایط قبل از سانحه با استانداردی به مراتب بالاتر، در جامعه آسیب دیده است. (آیسان و دیویس ۱۳۸۲) در بازسازی، مسکن نیابستی صرفاً بنا تلقی شود، بلکه بازسازی مسکن یک فرآیند است، مجموعه پیچیده‌ای است که شامل انواع کارکنان، مهارت‌ها، مدیران، مسائل مادی و بودجه، الگوهای استقرار، فرهنگ، طبقات، محیط زیست و سنت‌ها می‌باشد، همان‌طور که شکل و بنای مسکن نیز مطرح است. هرگونه اقدامی در زمینه سرپناه اضطراری و مسکن بازسازی شده پس از سانحه باید بر مبنای فرآیند مسکن قبل از سانحه (شرایط معمولی) انجام گیرد. (زرگر ۱۳۶۹) این اقدامات باید با کاربرد منابع محلی و ظرفیت‌های تکنیکی بومی انجام گیرد. در بازسازی باید مصالح بومی و مصالح سالم باقی‌مانده از خانه‌های ویران شده، استفاده از دانش و مهارت‌های ساخت و ساز محلی و مصالح بومی در بازسازی، و استفاده از روش‌های سنتی و بومی مورد توجه قرار گیرد. (Barakat ۲۰۰۳) استفاده از دانش و مهارت‌های ساخت و ساز محلی و مصالح بومی در بازسازی، از نظر هزینه باصرفه‌تر است، مقبولیت بیشتری دارد و با فرهنگ مردم جامعه نیز سازگارتر است و سبب می‌شود مالکان و بنایان محلی بیشتر در روند بازسازی مشارکت کنند. (Aysan & Oliver ۱۹۸۷) هرگاه مسکن بازسازی شده منطبق بر روش‌های سکونت، شیوه معیشت و در ارتباط با محیط و پیرامون بلافضل نباشد، در مدتی نه چندان طولانی دچار تغییراتی خواهد شد.

۳. روش تحقیق

در سال ۱۳۸۹، سفری به منطقه خورگام که طی زلزله سال ۱۳۶۹ به شدت آسیب دیده بود، انجام شد. در روستای جدید بره‌سر که طی جابه‌جایی روستا به وجود آمد، دیده شد که مردم در خانه‌های ساخته شده پس از زلزله، تغییراتی داده‌اند که آن‌ها را به گونه‌های بومی پیش از زلزله شبیه کرده است. با مراجعه به روستای اصلی که در زمان زلزله آسیب زیادی دیده بود و مردم آنجا را به دلیل ترس از رانش کوه ترک کرده بودند، مشاهده شد که تعدادی از خانه‌ها مرمت شده و مردم در آن‌ها سکونت دارند. خانه‌های در حال ساختی نیز در روستای پیش از زلزله به چشم می‌خورد و زندگی در آنجا تا حدی جریان داشت. پس از گفت‌وگو با ساکنان روستا مشخص شد که تعدادی از آن‌ها به روستای قدیمی بازگشته و جمعی در هر دو روستای قدیم و جدید سکونت دارند. همچنین در خانه‌های نوسازی که در سال‌های اخیر ساخته شده بودند، نشانه‌هایی از خانه‌های پیش از سانحه وجود داشت و کمتر اثری از مسکن بازسازی شده که تفاوت شکلی بارزی با خانه‌های بومی داشته باشد، به چشم می‌خورد. با این مشاهدات، این سؤال

پیش آمد که چرا مردم در مسکن بازسازی شده تغییراتی داده‌اند؟ تصویر ذهنی آن‌ها از خانه چه بوده است؟ موضوع اصلی تحقیق، تصویر ذهنی ساکنان از خانه و مقایسه آن با مسکن بازسازی شده از طریق بررسی واکنش‌های آنان است؛ پس با توجه به ماهیت موضوع، روش تحقیق کیفی، روش مناسب‌تری نسبت به روش‌های کمی می‌باشد. تحقیق کیفی، شامل استفاده آگاهانه و گردآوری مجموعه‌ای از داده‌های تجربی است. رویکردهای مختلف روش تحقیق کیفی عبارت‌اند از: نظریه‌های زمینه‌ای، مردم‌نگاری و تفسیرگرایی. (وانگ و گروت ۱۳۸۸، ۱۷۳-۱۸۰) نظریه زمینه‌ای^۲، رویکرد انتخاب شده برای انجام این تحقیق است.

هدف اصلی استفاده از نظریه زمینه‌ای، توسعه یک تئوری است. بدین سبب، نیاز به سؤال یا سوالاتی است که انعطاف‌پذیری و آزادی کشف یک پدیده را در عمق آن بدهند. همچنین، فرضیه‌های مربوط به پدیده، کاملاً شناسایی نشده و ارتباط بین ایده‌ها یا ضعیف فهمیده شده یا توسعه نیافته است. (Strauss & Glaser ۱۹۹۰) برای روشن شدن چگونگی استفاده از رویکرد نظریه زمینه‌ای، بخشی از روشی که در این تحقیق استفاده شده، در ادامه می‌آید: برای تحلیل داده‌های حاصل از مشاهده و مصاحبه عمیق با ساکنان، نظریه زمینه‌ای استفاده شد. در ابتدا پس از مصاحبه‌هایی با ساکنان و بررسی مصاحبه‌ها، مرحله کدگذاری باز انجام شد. کدگذاری باز، فرآیندی تحلیلی است که به وسیله آن، مفهومی‌ها شناسایی و ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها در داده‌ها کشف می‌شوند. (استراس و کریبن ۱۳۹۰، ۱۳۳) با مشخص کردن مفاهیم، ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها وارد مرحله کدگذاری محوری شدیم. در این مرحله، کدگذاری حول یک مقوله انجام شد؛ مقوله‌ها در سطح ویژگی‌ها و ابعاد به یکدیگر و با مقوله‌های فرعی مرتبط می‌شوند. (همان، ۱۴۶) بعد از انجام فرآیند کدگذاری، جواب‌های مورد نیاز که همان تصویر ذهنی ساکنان از مسکن بود، به دست آمد و تحقیق وارد مرحله بعدی شد. برای مطالعه واکنش‌های مردم که پاسخ پرسش آخر تحقیق بود، از تحلیل توصیفی استفاده شد.

۴. نتایج کیفی پژوهش

یکی از مراحل مهم تحقیق، فهم تصویر ذهنی ساکنان از مسکن به سبب مقایسه آن با خانه بومی قبل از سانحه و مسکن بازسازی شده بود. به این منظور، مصاحبه عمیق با ۱۵ نفر از مردم منطقه انجام شد. این مصاحبه‌ها بر اساس پرسش‌نامه باز انجام شدند که بر حسب مورد، تغییراتی در پرسش‌ها داده می‌شد و در طول مصاحبه سعی بر این بود که تمام صحبت‌ها پیرامون خانه و وجوه آن باشد تا به چپستی خانه در ذهن مصاحبه شونده پی برده شود. نکته‌ای که در اینجا باید بر آن تأکید شود این است که محقق به دنبال چپستی تصویر ذهنی ساکنان بوده و بررسی چرایی آن، موضوع این تحقیق نبوده است.

با انجام مصاحبه با ساکنان، برای طرح یکی از پرسش‌های اصلی تحقیق، بایست تصویر ذهنی مردم مشخص می‌شد. از این رو، شاخص‌هایی به عنوان تصویر ذهنی استخراج شد و بر اساس مصاحبه‌ها به نمودارهایی تبدیل شد. این شاخص‌ها عبارت‌اند از:

- ارتباط خانه با محوطه؛
- ارتباط فضای زیست و معیشت؛
- ارتباط فضاها (شیوه ترکیب فضاها) اصلی خانه مانند اتاق‌ها، آشپزخانه، هال و غیره و چگونگی کنار هم قرار گرفتن آن‌ها)؛

- اولویت فضاها (اولویت دسترسی و استفاده از فضاها از بدو ورود به خانه)؛
- تناسب فضاها؛
- تعداد طبقات؛
- چشم‌انداز و نور.

در این دیاگرام‌ها، نسبت خانه^۳ یعنی فضای سکونت به محوطه مشخص شد. یکی از نکات استخراج شده از صحبت با مصاحبه شونده‌گان، این بود که آن‌ها کل فضای مسکونی، خدماتی و معیشتی خانه را در محوطه محصور

می‌دانستند. بخشی از فضای باز محوطه، حیاط است که در آن گل‌کاری و درخت‌کاری نشده و مختص فعالیت‌های مرتبط با کشاورزی، آشپزی و... و ارتباط دهنده بخش‌های دیگر خانه است. در این محوطه، بخشی که در آن درخت و یا محصولات کشاورزی کاشته‌اند، باغ است که متفاوت از حیاط و جزئی از محوطه می‌باشد. پس از مشخص شدن ارتباط خانه، باغ و حیاط، به اجزای درونی خانه پرداخته شد. با استفاده از شاخص‌های به دست آمده، لیست فضاها، ارتباط فضاها با یکدیگر و با حیاط و محوطه و تناسب آن‌ها مشخص شد. پس از رسم نمودارها برای جمع‌بندی تصویر ذهنی غالب در منطقه، نمودارهای نهایی ترسیم شد که در آن، نکاتی که همه یا بیشتر افراد به آن اشاره کرده بودند، مد نظر قرار گرفت. در تصویر ذهنی، ارتباط خانه با محوطه به صورت زیر استخراج شد:

- خانه از چهار طرف با فضای باز ارتباط دارد؛ از این رو داخل محوطه قرار گرفته است و نه در گوشه‌ای از آن.
- خانه، حیاط، باغ، و فضای معیشتی تفکیک شده‌اند.
- خانه بر باغ و حیاط مسلط است و به آن چشم‌انداز دارد. این تسلط از طریق ایوان در طبقه دوم میسر می‌شود.
- مسیر عبور از بیرون به درون خانه از طریق حیاط، که در محوطه خانه و حد واسط بیرون و درون خانه است، می‌باشد.

ارتباط و تناسب فضاها، با توجه به تحلیل‌های انجام شده، به صورت زیر مشخص شد:

- در ابتدای ورود به خانه فضای هال قرار دارد.
- هال در مرکز خانه قرار دارد و بزرگ‌ترین و مهم‌ترین فضا است.
- آشپزخانه در ارتباط مستقیم با هال است و در درجه دوم اهمیت و اندازه قرار دارد.
- اتاق‌ها در درجه بعدی اهمیت قرار دارند.
- توالت در ارتباط با فضای بیرون و حمام در ارتباط با فضای داخل است.
- ایوان جزء لاینفک فضاهای خانه است.
- روابط عمودی اجزای خانه در تصویر ذهنی افراد، شامل موارد زیر بود:
- کرسی خانه باید بلند، و خانه از سطح زمین بالاتر باشد.
- خانه بر پیرامونش مسلط باشد و به آن چشم‌انداز داشته باشد.
- سکونت در طبقه بالا اتفاق می‌افتد.
- طبقه پایین به انبار و پارکینگ اختصاص می‌یابد.
- در طبقه دوم، ایوان قرار دارد.

همچنین در مصاحبه‌ها، مواردی که همه افراد به آن اشاره کردند، به طور جداگانه مورد توجه قرار گرفتند:

اهمیت مالک خانه‌ای (با هر کیفیت) بودن، اهمیت چشم‌انداز خانه، توجه به اقلیم سرد منطقه با کمک مصالح موجود، همچنین در مورد فضاهای مختلف خانه به ترتیب، اولویت به حیاط، هال، ایوان، و آشپزخانه داده شد. پس از مشخص کردن تصویر ذهنی، به مسکن بازسازی شده و تغییرات آن پرداخته شد. برای جمع‌آوری اطلاعات این بخش، ابتدا نقشه‌های ۱۵ خانه انتخابی برداشت شده، مشاهده و عکس‌برداری انجام شد. با توجه به نقشه روستا از قسمت‌های مختلف روستا بر حسب جهت قرارگیری نسبت به خیابان، متراژ آن‌ها و مواردی از این قبیل، خانه‌هایی انتخاب، و سؤالاتی نیز پرسیده شد. تعداد نمونه‌ها با توجه به روش تحقیق کیفی در طول انجام تحقیق مشخص شد که در واقع بخش‌های مختلف روستا را پوشش، و اطلاعات کافی به منظور پیشبرد اهداف تحقیق را به دست می‌داد. این بخش، بیشتر مبتنی بر مشاهده عمیق رفتار ساکنان خانه از طریق حضور در خانه و توجه به زندگی روزمره آنان بود. برای جمع‌آوری این اطلاعات در بازه زمانی شش ماهه، چهار بار به روستا سفر شد که مدت اقامت هر سفر حدود یک هفته بود.

۵. مطالعه مسکن بازسازی شده

بعد از زلزله، محل روستای جدید انتخاب و زمین‌ها بلوک‌بندی شد. تملک زمین‌ها بر اساس قرعه‌کشی بود که توسط ۷ تن از اهالی روستا که امین مردم بودند، انجام می‌شد. به هر کدام از خانوارها زمین ۲۰۰ متری داده شد که در آن با استفاده از زگالی^۵ اسکان موقت را برپا کردند. برحسب تعداد خانوار، مترائز این سازه موقت متغیر بود. خانوارهای ۲ و ۳ نفری، ۱۵ مترمربع و خانوارهای با جمعیت بیشتر ۲۱ مترمربع اسکان موقت ساختند. برخی از چوب و حلبی که توسط ستاد بازسازی به مردم داده شده بود، استفاده کردند و برخی خود، آن را به تنهایی ساختند. هسته‌های اولیه اسکان موقت و گسترش خانه با سازه زگالی صورت گرفته است. تأکید مسئولان بازسازی بر این بود که به دلیل عدم اجرای صحیح پایه‌های بنا در خانه‌سازی قبل از زلزله و تخریب زیاد با توجه به جداسدن کرسی از بنا، اسکان موقت بر روی کرسی بلند ساخته نشود. بعد از ساخت این فضا به مرور، ساکنان شروع به تکمیل خانه‌هایشان کردند و آن را گسترش دادند. یک یا چند اتاق به آن اضافه کردند، آشپزخانه ساختند و در صورت امکان فضای نیمه‌بازی نیز شکل دادند. گسترش واحدها در یک طبقه انجام گرفته و گسترش عمودی مانند گونه‌های بومی دیده نمی‌شود. به سبب بلند نبودن کرسی خانه، دیوارهای خانه رطوبت را از زمین جذب کرده و این باعث شده چوب‌های درون دیوارها به مرور بی‌وسد و بدین گونه آسیب‌پذیری بنا در برابر سانحه بعدی را نیز بالا برده است.

فضای نیمه‌بازی که در خانه‌ها ایجاد شده، عملکردی مشابه ایوان خانه‌های بومی دارد؛ با این تفاوت که به دلیل هم‌سطح بودن با زمین، چشم‌انداز سابق را ندارد و نیز به همین دلیل، در معرض ورود آلودگی‌های محیطی خصوصاً در هنگام بارندگی قرار دارد. در بسیاری از موارد، این فضا پوشیدگی بیشتری نسبت به گونه‌های بومی دارد به گونه‌ای که در سه سمت آن، دیوار قرار دارد. با وجود این، فعالیت‌های بسیاری در این فضای کوچک انجام می‌شود و اعضای خانواده به خصوص در فصل تابستان، اوقات خود را در آن سپری می‌کنند. در بسیاری از شبه‌ایوان‌ها، نیمکت، مبل و یا میزی برای نشستن قرار داده شده است. اگر خانه فضای ایوان نداشته باشد، از نیمکت موجود در حیاط به مانند آن استفاده می‌شود.



تصویر ۱. ایوان مسکن بازسازی شده منبع: نگارندگان



تصویر ۲. حیاط و شکل‌گیری عناصر پیرامون آن منبع: نگارندگان



تصویر ۳. استفاده از فضای ایوان با قرار دادن میز و صندلی منبع: نگارندگان

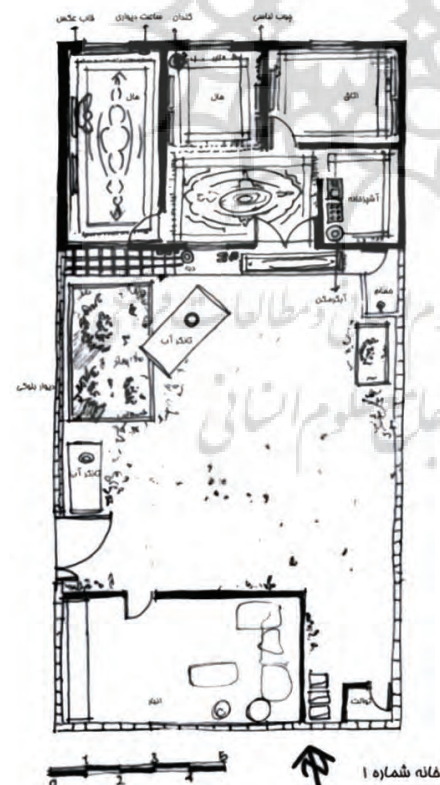
سعی شده که خانه حداقل از سه طرف با فضای باز در ارتباط باشد تا هم امکان تهویه و دفع رطوبت ایجاد شود و هم برای فضاهای خانه، نور مناسب‌تری فراهم گردد. این مسئله وقتی اهمیت پیدا می‌کند که ملاحظه می‌شود قسمت مسکونی در ارتفاع قرار ندارد، لذا امکان تأمین نور و چشم‌انداز مانند گونه‌های قدیمی برای آن وجود ندارد. ضمن آنکه قرارگیری پلاک‌ها در یک ساختار شطرنجی و نیز شیب نسبتاً تند زمین بره‌سر بالا باعث سایه‌اندازی خانه‌ها بر روی هم شده و فضای بی‌روح دلگیر و یکنواختی در بافت ایجاد کرده است.



تصویر ۴. ایوان خانه بازسازی شده منبع: نگارندگان

در این خانه‌ها، حال نقش مهم‌ترین فضا را بازی می‌کند. دیگر فضاهای زیستی خانه مانند اتاق و آشپزخانه در ارتباط مستقیم با حال است و گسترش فضاهای خانه در جهت تقویت مرکزیت فضای‌ها می‌باشد. حال از دیگر فضاهای خانه مجلل‌تر است و اهمیت بیشتری به آن داده شده است. بیشتر اوقات اهل خانه در آن سپری می‌شود و از مهمان نیز در این فضا پذیرایی می‌گردد مگر اینکه تعداد مهمانان زیاد باشد که از اتاق‌ها استفاده می‌شود.

در همه موارد، زمین به سه قسمت خانه، حیاط و باغچه تقسیم شده و خانه در قسمت شمالی خانه قرار گرفته است. با وجود اینکه قسمت شمالی در ارتفاع پایین‌تری قرار دارد، به منظور بهره‌گیری بیشتر از نور و گرمای خورشید، خانه رو به جنوب ساخته شده است. توالت در بیشترین موارد در دورترین فاصله نسبت به خانه، و حمام در فاصله نزدیک‌تری به قسمت سکونتی قرار دارد. طولی از قسمت مسکونی کاملاً دور شده است و در سمت دیگر حیاط قرار دارد. تنورخانه و انبار نیز پیرامون حیاط قرار گرفته‌اند.



تصویر ۵. پلان یک خانه بازسازی شده منبع: نگارندگان

۶. مقایسه تصویر ذهنی از خانه و مسکن بازسازی شده

در تصویر ذهنی ساکنان، فضای زیستی در طبقه بالا و فضای خدماتی در طبقه پایین قرار دارد، این در حالی است که در خانه‌هایی که پس از زلزله ساخته شده، فضای زیستی و معیشتی به صورت افقی با هم ارتباط داشته و در حال حاضر، فضاهای معیشتی در حال انتقال به خارج از خانه هستند و در کمتر خانه‌ای دام در فضای خانه نگهداری می‌شود و مجدداً از طولی‌های موجود در روستای قدیمی استفاده می‌شود. این قطع ارتباط فضای



تصویر ۶ و ۷. (از راست به چپ، هسته اولیه خانه، حیاط) منبع نگارندگان

معیشتی و زیستی در تصویر ذهنی نیز وجود داشت. اتاق در خانه‌های بازسازی شده به نسبت خانه بومی، فضای خصوصی‌تری شده است اما هنوز انعطاف‌پذیری خود را حفظ کرده و قابلیت تغییر عملکرد را تا حدی دارد. در تصویر ذهنی، اتاق فضای خصوصی‌تری است و به فعالیت‌های شخصی و خواب اختصاص می‌یابد.



تصویر ۸. (از راست به چپ کروکی مسکن بازسازی شده و تصویر ذهنی) منبع: نگارندگان

در تصویر ذهنی، خانه از چهار طرف با فضای باز ارتباط دارد و خانه، حیاط، باغ، و فضای معیشتی تفکیک شده‌اند. خانه بر باغ و حیاط مسلط است و به آن چشم‌انداز دارد. این ویژگی از طریق ایوان در طبقه دوم میسر می‌شود و مسیر عبور از بیرون به درون خانه از حیاط است. این در حالی است که خانه‌های بازسازی شده به دلیل قطعه‌بندی معمولاً از دو طرف محدود شده‌اند که مردم با تمهیداتی چون چک‌اندازه و قرار دادن دالان در یک سمت خانه سعی کرده‌اند به این چهار طرفه بودن نزدیک شوند. همچنین در تسلط خانه بر حیاط و باغچه با محدودیت روبه‌رو بوده‌اند، اما این تفکیک کاملاً مشخص است به گونه‌ای که خانه در یک سمت، حیاط در وسط و باغچه در سمت دیگر قرار دارد. به هر صورت، در خانه‌های بازسازی شده، چشم‌انداز و ارتباط با محیط پیرامون و طبیعت همانند وضعیت سابق میسر نشده است.

در تصویر ذهنی، طبقه دوم خانه‌ها ایوان دارد. ایوانی که هدف آن کمک به ارتباط فضای درون با بیرون و بهره بردن از چشم‌انداز طبیعت است. در خانه‌های بره‌سر بالا، فضای مشابه ایوان در خانه‌ها در طبقه همکف و بدون کرسی بلند وجود دارد. این فضا در خانه‌های بازسازی شده کیفیت بالایی ندارد و در برخی موارد، ایوان از سه طرف با دیوار بسته شده است و شفافیت ندارد و رو به منظره‌ای نیست. در برخی موارد، صاحبخانه با قرار دادن نیمکت و یا مشابه آن در حیاط خانه‌اش سعی کرده فضایی برای نشستن در حیاط ایجاد کند تا هم از باغچه‌اش لذت ببرد و هم فعالیت‌های محدود کشاورزی و خانه‌داری را در آن انجام دهد.



تصویر ۹. کروکی از ایوان در تصویر ذهنی منبع: نگارندگان



تصویر ۱۰. ایوان خانه بازسازی شده منبع: نگارندگان



تصویر ۱۱ و ۱۲. (از بالا به پایین گشوده کردن حال در خانه‌ها با تغییرات - برداشتن تیغه و اوپن کردن آشپزخانه) منبع: نگارندگان

اتاق، هال، آشپزخانه، توالت، حمام، انبار و پارکینگ، فضاهایی هستند که به تفکیک در ذهن مردم جای دارند. در این تصویر، هال بزرگ‌ترین فضا، سپس به ترتیب آشپزخانه، اتاق، انبار، حمام و توالت قرار دارد و هال در مرکز خانه و در ارتباط با آشپزخانه و اتاق‌هاست. هال در ارتباط با ورودی و ایوان نیز قرار دارد. از لحاظ ارتباط فضاها در خانه می‌توان گفت ارتباطها در خانه بازسازی شده به تصویر ذهنی مردم نزدیک است. بدین لحاظ که هال را در مرکز خانه قرار داده‌اند و فضاها پیرامون آن قرار گرفته است. اتاق‌ها نیز به فضای خصوصی‌تری تبدیل شده‌اند که البته انتظار می‌رود مردم به مرور آن‌ها را مجزاتر نیز بکنند. بیان این مدعا که مردم اجزای خانه را به تصویر ذهنی‌شان نزدیک کرده‌اند، این است که خانه هسته اولیه‌ای بوده که گسترش یافته و جهت گسترش و تغییرات بعدی خانه به تقویت هال و ارتباط آن با آشپزخانه و اتاق‌ها کمک کرده است. این تغییرات در جهت بزرگ‌تر کردن فضای هال و گشودگی بیشتر فضایی بوده که مثلاً با برداشتن تیغه‌ای و یا باز کردن آشپزخانه قصد انجام آن را داشته‌اند.

خانه در تصویر ذهنی ساکنان، رو به آفتاب قرار داشت و ساخت آن با مصالح مستحکم، بالاتر از سطح زمین و اغلب پشت به باد قرار گرفتن آن، از مواردی بود که به منظور مقابله با اقلیم سرد منطقه بیان می‌شد. در خانه‌های بازسازی شده مردم نتوانسته‌اند راه حل‌های اقلیمی را که در ذهن داشته‌اند، تحقق بخشند؛ فقط برای عبور رطوبت خانه را سه یا چهار طرفه کرده‌اند. شاید این عامل که خانه‌های بازسازی شده در برابر سرمای سخت زمستان حتی با وجود وسایل گرمایشی نفتی کارایی چندانی ندارد، از جمله عواملی است که باعث شده بسیاری از اهالی در فصول سرد سال در شهرهای اطراف به سر ببرند و تنها در فصول گرم از بره‌سر به عنوان بیلاق استفاده کنند.

در تصویر ذهنی مردم، با وجود آنکه تجربه خوبی از سازه‌های سنتی اروجنی^۷ و زگالی در زمان زلزله داشتند، به دلیل اینکه فرسوده و پوسیده شدن سازه‌های زگالی در خانه‌های بازسازی شده طی ۲۱ سال پس از زلزله، سازه چوبی مورد توجه مردم نبود، به خصوص که سازه‌های جدید مانند سازه بتنی را برای حفظ خانه در برابر سرما مناسب‌تر می‌دانستند.

با توجه به آنچه گفته شد، این نتیجه به دست می‌آید که مسکن بازسازی شده در ارتباط با شکل خانه، ارتباط با زمین، ارتباط با محیط پیرامون و طبیعت، حفظ بنا در برابر عوامل اقلیمی، سازه و مصالح، با تصویر ذهنی همخوانی نداشته است، در حالی که ارتباط فضایی اجزای داخل خانه، همخوانی بیشتری با تصویر ذهنی داشته و ارتباط و تأثیر متقابل این دو مشخص است.

نتیجه‌گیری

با تکیه بر بررسی‌های انجام شده، رفتار مردم در برابر مسکنی که در تضاد با تصویر ذهنی‌شان است، به صورت زیر طبقه‌بندی می‌شود:

حدود ۵ درصد مردم همچنان در بره‌سر پایین زندگی می‌کنند. این افراد در بازسازی، زمین دریافت کرده‌اند و حتی در برخی موارد، خانه‌ای نیز ساخته‌اند، اما در طی ۲۰ سال گذشته، به روستای پایین برگشته و زندگی در خانه بومی خود را به زندگی در بالا ترجیح داده‌اند؛ حتی با وجود اینکه در پایین امکاناتی مانند آب لوله‌کشی وجود ندارد. این دسته همچنان دام خود را کنار خویش نگاه‌داری می‌کنند و در واقع دامداری، معیشت اصلی آنان است.

در بره‌سر پایین، خانه‌های نوساز و یا در حال ساخت دیده می‌شود، به این صورت که مردم در زمین‌های قبلی‌شان مجدداً شروع به خانه‌سازی کرده‌اند. گسترش شهر و نیاز به زمین‌های جدید برای ساخت خانه، برخی را نیز ناگزیر به بازگشت به روستای پایین کرده، چرا که یکی از راه‌ها برای اینکه مراتع و زمین‌های کشاورزی اطراف شهر، برای ساخت خانه مورد استفاده قرار نگیرند، استفاده از زمین‌های موجود در روستای اصلی است. این خانه‌های جدید، بیشترین شباهت را با تصویر ذهنی دارند به این معنا که دو طبقه و یا با کرسی بلند بوده و ایوانی در آن رو به چشم‌انداز پیرامون داشته و ارتباط‌های فضایی در داخل خانه به صورتی است که در تصویر ذهنی مردم گفته شد.



تصویر ۱۴. خانه در حال ساخت در بره‌سر پایین منبع: نگارندگان



تصویر ۱۳. خانه بومی باقی‌مانده پس از زلزله، منبع: نگارندگان

با دقت در چگونگی گسترش بره‌سر(جدید)، دیده می‌شود که به جز قسمت مرکزی آن که در آن قطعات به صورت شطرنجی در زمان زلزله تفکیک شده‌اند، گسترش بره‌سر در سال‌های اخیر به صورت ارگانیک و طبق ساختار سنتی بوده است. در واقع، افرادی که امکان آن را داشته‌اند، شروع به ساخت مجدد در زمین‌های پیرامون بره‌سر بالا کرده‌اند. این خانه‌ها شباهت زیادی در ایجاد ارتباط بین همسایگان مانند قدیم شده است، به گونه‌ای که در یک قطعه زمین خویشاوندان خانه‌های متعددی ساخته‌اند.

عده‌ای نیز همچنان با نارضایتی در خانه‌های بازسازی شده زندگی می‌کنند، اما سعی کرده‌اند خانه را به تصویر ذهنی خویش نزدیک کنند و برای این کار راه حل‌هایی پیدا کرده‌اند. ایجاد ایوان در خانه‌ها و کاشت درختان به خصوص درختان میوه در حیاط به سبب ایجاد حیاط‌ها مشابه خانه‌های قبل از زلزله، از این موارد است. افراد روستا که معمولاً دامدار و کشاورزند، اوقات زیادی از روز را به خصوص در فصل تابستان در فضاهای خارج از خانه سپری



تصویر ۱۶. خانه در حومه برهسر بالا منبع: نگارندگان



تصویر ۱۵. خانه در حومه برهسر بالا منبع: نگارندگان

می‌کنند. ضمن آنکه در فصول بهار و تابستان، دامداران به بیلاق می‌روند و تا سرد شدن هوا در آنجا می‌مانند. همچنین هنگامی که هوا خوب باشد، در کوچه‌ها و خیابان‌های برهسر بالا زنان و مردان به وفوردیده می‌شوند. در واقع مدت زمان حضور در خانه‌ها به زمان‌هایی که هوا نامناسب باشد، برمی‌گردد.

عده‌ای از مردم که در مشاغل خدماتی فعالیت داشته و زندگی‌شان وابستگی کمتری به دامداری و کشاورزی داشته، در برهسر بالا توانسته‌اند ارتباط‌های فضایی در داخل خانه را به تصویر ذهنی‌شان نزدیک کنند، اما نمی‌شود ادعا کرد که این افراد رضایت کامل از خانه خود دارند. در واقع به جهت ناسازگاری خانه بازسازی شده با تصویر ذهنی، در مواردی مانند ارتباط با طبیعت و چشم‌انداز و اقلیم، همچنان به دنبال تغییر در خانه خود هستند.

در بسیاری از خانه‌ها دیده شد که ساکنان با وجود نارضایتی، به صورت ناخودآگاه سعی کرده‌اند حس تعلق را تقویت کنند. اولین عنصری که در تقویت این حس مؤثر می‌باشد، مالکیت خانه‌هاست. همچنین زمانی که در خانه‌ای سلايق و علايق فرد، در زمينه عناصر معماری و غیرمعماری، امکان بروز پیدا می‌کند، این حس بیشتر می‌شود. در عین حال که هر چه فرد احساس تعلق بیشتری داشته باشد، به خانه خود رسیدگی بیشتری خواهد کرد. در واقع به دنبال ایجاد و تشدید حس تعلق است که ساکنان در خانه‌های خود تغییر ایجاد کرده تا آن را باب میل خود در بیاورند. عامل معیشت نیز، باعث بروز رفتارهای مشخصی در ساکنان شده است. این رفتارها شامل بازگشت به روستای قبلی، ساخت خانه جدید در پیرامون برهسر بالا، ساخت خانه جدید در برهسر پایین و تغییر در خانه موجود بود؛ اما معیشت تنها عامل تعیین کننده نبود، زیرا افرادی که در مشاغل غیر دامداری مانند مشاغل خدماتی مشغول فعالیت بودند نیز، از خانه موجود ناراضی بودند.

رفتارهای ساکنان این روستا عدم پذیرش مسکن بازسازی شده را که با تصویر ذهنی آنان مغایرت داشت، نشان می‌دهد. نه به این معنا که مردم از قبول خانه‌ها سرباز زده باشند، بلکه تغییرات گسترده در خانه‌ها، بازگشت به روستای قدیم و ساخت خانه‌های جدید در روستای قدیم و اطراف روستای جدید، از مصادیق آن است.

با وجود همه تغییراتی که در شیوه نگرش به مسئله مسکن به وجود آمده است، مسئله تصویر ذهنی که ساکنان از خانه دارند، عامل تعیین کننده‌ای در طرح خانه است؛ عاملی که توسط متولیان امر بازسازی و نیز مسئولان طرح‌های به‌سازی و بازسازی روستاها و شهرها مورد توجه قرار نگرفته است. این مسئله در سطوح کلان و جایی که انبوهی از خانه‌ها ساخته می‌شوند، اهمیت بیشتری دارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با موضوع «بررسی بازسازی مسکن پس از سانحه از منظر عوامل فرهنگی با تأکید بر تصویر ذهنی (نمونه موردی بره‌سر پس از زلزله ۱۳۶۹ رودبار- منجیل)» است که در شهریور ۱۳۹۰ در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی ارائه شده است.
۲. بر اساس صحبت‌هایی که با مردم بره‌سر انجام شد، آن‌ها مهم‌ترین دلیل جابه‌جایی را سختی بازسازی در روستای قدیم بیان کردند و بعد از ۲۰ سال معتقد بودند در زمان زلزله، مسئولان از ترس مردم استفاده نموده و با بیان خطر رانش زمین، آن‌ها را تشویق به جابه‌جایی کرده‌اند.

3. Grounded Theory

۴. به فضایی که افراد در آن زندگی می‌کردند و فعالیت‌هایی چون خوابیدن، غذاخوردن، پذیرایی از مهمان و غیره را در آن انجام می‌دادند، خانه گفته می‌شد و فضاهای غیر مسقف محوطه را که مشتمل بر باغ و حیاط و خود محوطه بود، اطلاق می‌کردند.
۵. نوعی دیوارسازی است که در آن، چوب‌ها نازک است و به صورت مورب با استفاده از ملات کاهگل برپا می‌شود. دیوارهای زگالی معمولاً برابر نیستند و تنها نقش جدا کننده را بر عهده دارند و تحمل بار سقف توسط اسکلت چوبی صورت می‌گیرد. قبل از زلزله، فضاهایی مانند انبار با این دیوار ساخته شده بودند که به دلیل مقاومت خوب آن‌ها در طی زلزله، مردم و مسئولان ترجیح دادند طی بازسازی از زگالی استفاده کنند.
۶. فاصله بین دو خانه مجاور که به منظور هدایت آب باران و رطوبت دیوارها ایجاد می‌شود.
۷. قدیمی‌ترین انواع خانه‌های چوبی موجود در روستاهای منطقه گیلان اروجنی یا اروجن نام دارد؛ دیوار این ساختمان‌ها از تنه درختان محلی ساخته شده است. در این روش، تنه درختان به صورت افقی یک در میان در دیوارها متقاطع روی هم گذاشته شده و نهایتاً بعد از اتمام دیوارها، تمام فضاهای خالی بین چوب‌ها را با اندود گل و سنگ‌های قلوه‌ریز پر کرده‌اند.

منابع

- استراوس، آنسلم و کوربین، ژولیت. ۱۳۸۷. اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها. بیوک محمدی، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- الکساندر، کریستوفر. ۱۳۸۶. معماری و راز جاودانگی راه بی‌زمان ساختن. مهرداد قیومی بیدهندی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- بحرینی، حسین و همکاران. ۱۳۷۳. گونه‌شناسی معماری روستایی مناطق رودبار- منجیل. تهران: مرکز مطالعات مقابله با سوانح طبیعی ایران.
- جودی، مجید. ۱۳۷۲. ارزیابی بازسازی مناطق زلزله‌زده گیلان و زنجان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد: دانشکده معماری دانشگاه شهید بهشتی.
- راپاپورت، آموس. ۱۳۸۴. معنای محیط ساخته شده. فرح حبیب. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- زرگر، اکبر. ۱۳۶۹. سرپناه اضطراری. جزوه درسی، تهران: دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی.
- وانگ، دیوید و گروت، لیندا. ۱۳۸۹. روش‌های تحقیق در معماری، علیرضا عینی‌فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دیویس، یان و آیسان، یاسمین. ۱۳۸۲. معماری و برنامه‌ریزی بازسازی. علیرضا فلاحی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- Aysan, Y. , & Oliver, P. 1987. *Housing and culture after earthquakes: A guide for future policy making on housing in seismic areas*. Oxford: Oxford Polytechnic.
- Barakat, S. 2003. *Housing reconstruction after conflict and disaster*, Network paper number 43, Humanitarian Practice Network. London: Overseas Development Institute.
- Strauss, Anselm. Corbin, Juliet.1990. *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques*. CA: Sage publication.